ادامه از صفحه اول

بند ناف دولت روحانی

اگر تلاش نافرجام برخی اصولگرایان را برای یک دوره‌ای کردن او نادیده بگیریم، عیان می‌شود که خرد جمعی حاصل جمع مردم و حکومت برای به کرسی‌نشاندن روحانی هم‌داستان بوده‌اند. از این منظر کناره‌گیری قالیباف چه با میل خودش بوده باشد چه تحت فشار، این معنا را تعین می‌بخشد که این دوران، دوران حسن روحانی است و بس. کسی که برای مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی ایران- مذاکرات هسته‌ای- و رفع تحریم‌ها روی کار آمد، اینک کار دشواری پیش رو دارد. انگار چاره‌ای جز این نیست که باز سیاست خارجی در صدر برنامه‌های دولت قرار گیرد. در هیچ‌یک از دولت‌های ایران این قدر دیپلماسی خارجی مستمر در اولویت نبوده است. از این رو رئیس‌جمهور بیش از گذشته باید از مسائل داخلی تنش‌زدایی کند. زیرا مخالفان او بیش از هر زمان دیگر مایلند پای او را به مجادله‌های بی‌ثمر باز کنند. سخنرانی اخیر روحانی در جمع استادان و پزشکان اگرچه اساسی و استراتژیک بود اما زمان مناسبی برای بیان این ایده نبود که مسئله ولایت و حاکمیت در اسلام دو مقوله مجزاست. او با ارجاع به نهج‌البلاغه گفت: امیرالمؤمنین مبنای ولایت و حکومت را نظر مردم و انتخاب مردم می‌داند، لمن و لیتموا امرکم. گفت هرکس که شما او را به عنوان ولی و رهبر جامعه برگزیدید من هم می‌شنوم و اجرا می‌کنم. امیرالمؤمنین مبنای حکومت و فرمانروایی را رأی مردم، خواست مردم و آزادی مردم می‌داند. حسن روحانی می‌خواهد با این ایده دست به گفتمان‌سازی بزند و آن را در سال‌های پیش‌رو نهادینه کند. از این رو است که آیت‌الله جنتی و یزدی با آگاهی بر سیاستی که رئیس‌جمهور دنبال می‌کند این‌گونه شدیداللحن به او نقد می‌کنند. به یقین گفتمان‌سازی آن هم از این دست، شرایط مطلوبی را طلب می‌کند. فارغ از اینکه شرایط کنونی مطلوب است یا نه، باید از هر مجادله‌ای پرهیز کرد. شرایط خاورمیانه مجال این‌گونه مجادلات را به روحانی نمی‌دهد. دولت دیپلماسی روحانی نیروهای نظامی در خط مقدم منطقه را به پس پشت گفت‌وگو می‌برد و این مجال را فراهم می‌سازد تا ایران ابزارهای بیشتری برای چانه‌زنی داشته باشد. اینک نیروهای نظامی در کنار دولتی دیپلماتیک هرچند که در برخی مسائل اختلاف نظر هم داشته باشند، می‌توانند تعادلی به وجود آورند که در لحظات بحرانی راهی برای برون‌رفت از آن پیدا کنند. تاکنون ایران با سیاست منطقه‌گرایی به دنبال اهداف خود بوده است. منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران با سه رویکرد، رویکرد جغرافیایی و ژئوپلیتیک، فرهنگی- تاریخی و ایدئولوژیک و امنیتی دنبال شده است. ایران در متعادل‌سازی این سه رویکرد همواره مشکلاتی داشته. اما مهم‌تر از آن تضادی است که بین منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی وجود دارد که هریک مخل دیگری است. با روی کار آمدن ترامپ که در پی طرح‌ریزی خاورمیانه‌ای جدید است و گویا برنامه‌ای هم برای این کار ندارد کار برای ایران دشوار خواهد شد. اینک بی‌تردید هر اتفاقی در خاورمیانه رخ بدهد خواسته یا ناخواسته ایران درگیر آن خواهد شد. آنچه بیش‌ازپیش احساس می‌شود، تغییر زاویه دید در رویکرد ایران است که متناسب با استراتژی آمریکا در منطقه تعیین می‌شود. ناگزیر سیاست خارجی ایران رابطه تنگاتنگی با مسائل داخلی‌اش دارد. ازاین‌رو هرگونه شکست احتمالی در سیاست خارجی تبعات داخلی هم دارد. روحانی نمی‌تواند خود را از وضعیت موجود کنار بکشد یا با آن مسامحه کند.

گویا بند ناف دولت او را با سیاست خارجی بریده‌اند. اگرچه دولت روحانی در مسائل منطقه دستی از دور بر آتش دارد مهم نیست مهم پیروزی در این میدان است. میدانی که با امنیت ملی و غرور ملی گره خورده است. سؤال اساسی در سیاست خارجی این است: چگونه می‌توان وارد نبردی شد که از قبل برای برون‌رفت از آن تدبیری اندیشیده شده باشد. این گفته آندره پف، رئیس کا.گ.ب در دوره برژنف، نکته مهمی دربر دارد: «اوضاع بین‌المللی بسیار پرتنش است. برای نخستین‌بار پس از بحران موشکی کوبا و آمریکا، آمریکا شاخ‌به‌شاخ به سمت ما می‌آید. آمریکا می‌خواهد وضع استراتژیک فعلی را به نفع خود تغییر دهد و به دنبال حمله است... اقتصاد ما در وضعیت بدی قرار دارد. باید شرایط را بهبود بخشیم. اما با جنگ در افغانستان دست ما بسته است. آمریکایی‌ها هر کاری می‌کنند تا نگذارند ما از افغانستان خارج شویم».

با این اوصاف دولت روحانی چه برنامه‌ای برای آینده خاورمیانه دارد؟ دولتی که مخالفانش هرکاری می‌کنند که او در مسائل داخلی و خارجی دست بالا را نداشته باشد. هرچقدر هم که مخالفان تلاش کنند تا این دولت را ناکارآمد کنند، اگر توفان سهمگینی از خاورمیانه بوزد، به یک اندازه همه را در بر خواهد گرفت.

چرا شورای رقابت نتوانست جایگاه خود را تثبیت کند

انحصارگرایان اقتصادی مزاحمان شورا

سعید ابوالقاسمی: «شورای رقابت دست ما را در قیمت‌گذاری باز بگذارد؛ خودمان هوای مردم را داریم». این جمله، آغاز جدالی دوباره درباره قیمت‌گذاری خودروها در سال جدید بود. موضوعی که احمد نعمت‌بخش، دبیر انجمن خودروسازان درباره افزایش قیمت خودروها مطرح کرد و خواستار ارائه آزادی عمل از سوی شورای رقابت شد. پیش از آن، شورای رقابت به خودروسازان اجازه افزایش قیمت نداده بود و در نهایت، برخی خودروسازان هم گفته بودند به نظر شورا توجهی نخواهند داشت و کار خود را انجام می‌دهند. همین اختلاف نظرها بود که دوباره موضوع جایگاه شورای رقابت در نظام اقتصادی ایران را به موضوع روز محافل اقتصادی تبدیل کرد. آن‌گونه که در ماده ۵۳ قانون اصلاح برنام چهارم توسعه و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید شده، شورای رقابت وظیفه دارد شرایط را برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد فراهم آورد تا از ایجاد رویه‌های انحصارگرایی و ضدرقابتی در اقتصاد جلوگیری شود. بااین‌حال، برخی کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند شرایط مناسب برای تثبیت جایگاه شورای رقابت در نظام اقتصادی کشورمان ایجاد نشده و بنابراین، شورا کارایی لازم را نخواهد داشت. از جمله این افراد، موسی غنی‌نژاد است. این اقتصاددان که زمزمه‌های حضور او در دولت دوازدهم هم شنیده می‌شود، تأکید دارد شرایط مناسبی برای فعالیت شورای رقابت وجود ندارد؛ چراکه دولت، تنها انحصارگر اقتصادی ایران است و در این اقتصاد دولتی، وجود شورای رقابت برای ازبین‌بردن انحصار بخش خصوصی هیچ معنایی ندارد. از سوی دیگر، اعضای شورای رقابت و کارشناسان مرتبط با آن، اعتقاد دارند شورا می‌تواند شرایط مطلوبی برای جلوگیری از انحصارگرایی و ضدرقابتی‌کردن بازار فراهم آورد؛ اما تنها شرط آن، این است که نظام اقتصادی به قانون تمکین کند و شرایط را برای تسهیل فعالیت‌های شورای رقابت فراهم آورد. این موضوع را ولی رستمی، حقوق‌دان و عضو شورای رقابت مطرح می‌کند. او البته تأکید دارد که شورای رقابت، یک نهاد تازه‌تأسیس و نوپاست و برای تثبیت جایگاهش در نظام اقتصادی ایران، باید همچنان شکیبایی پیشه کرد.

انحصارگرایان، مخالف فعالیت شورای رقابت

یکی از اصلی‌ترین دلایلی که برای تثبیت‌نشدن جایگاه شورای رقابت در نظام اقتصادی کشور مطرح می‌شود، «انحصارگرایان اقتصادی» هستند. این انحصارگرایان، منافع خود را در انحصار و بازار غیررقابتی می‌بینند تا بتوانند با استفاده از ارتباطات ویژه، رانت‌های خاص دریافت کنند و یک بازار را به صورت انحصاری در دست بگیرند. این انحصارگرایان، به صورت عمده از نهادهای عمومی غیردولتی هستند که تلاش می‌کنند جایگاه شورای رقابت نادیده گرفته شود. این، خلاصه‌ای از صحبت‌های ولی رستمی، حقوق‌دان و عضو شورای رقابت است. او اعتقاد دارد خصوصی‌سازی هنوز به شکل واقعی در اقتصاد کشور ما شکل نگرفته و به همین دلیل است که با پدیده انحصارگرایی در اقتصاد روبه‌رو هستیم. او به «شرق» می‌گوید: «نهادهایی مانند شورای رقابت، لازمه خصوصی‌سازی هستند؛ در واقع، پس از اینکه در کشوری خصوصی‌سازی شکل گرفت، باید نهادهایی به وجود بیایند که جلوی برخی سوءاستفاده‌ها از این خصوصی‌سازی بایستند؛ چراکه وقتی بنگاه‌ها به بخش خصوصی واگذار می‌شوند، ممکن است

انحصارهایی شکل بگیرد». او انحصارگرایی بخش خصوصی را به مراتب زیان‌بارتر از انحصارگرایی بخش دولتی می‌داند و تأکید می‌کند: «معمولا انحصارگرایی در بخش خصوصی، آثاری ناگوارتر و بدتر از انحصارگرایی در بخش دولتی دارد؛ بنابراین لازمه خصوصی‌سازی، وجود نهادهایی مانند شورای رقابت است؛ البته، نباید این را هم از نظر دور داشت که در کشور ما خصوصی‌سازی هنوز به معنای واقعی شکل نگرفته و بسیاری از خصوصی‌سازی‌ها یا در قالب رد دیون انجام شده یا نهادهای عمومی غیردولتی یا شبه‌دولتی سهام دولتی‌ها را در اختیار گرفته‌اند». رستمی در توضیح این صحبت‌های خود ادامه می‌دهد: «۴۰ درصد خصوصی‌سازی در ایران به صورت سهام عدالت شکل گرفته که مدیریت دولتی دارد؛ ۳۰ درصد هم که به خصولتی‌ها یا نهادهای عمومی غیردولتی داده شده و فقط بخش اندکی به بخش خصوصی واقعی واگذار شده؛ بنابراین نظام اقتصادی مبتنی بر خصوصی‌سازی در کشور ما شکل نگرفته و عمده مشکلات هم از همین بخش سرچشمه می‌گیرد». به گفته این حقوق‌دان، «همیشه در مقابله با انحصار، عده‌ای ضرر می‌کنند؛ چراکه انحصار ایجاد رانت می‌کند و باعث می‌شود آنهایی که این انحصارها را در اختیار دارند، مقاومت کنند». او بخش عمده‌ای از این انحصارها را مربوط به نهادهای عمومی غیردولتی می‌داند: «در ایران نظام و ساختار اقتصادی به گونه‌ای است که مقابله‌کردن با انحصار بسیار سخت است و باید واقعا عزم جدی برای جلوگیری از این انحصار وجود داشته باشد؛ بنابراین لازم است در کنار شورای رقابت، نهادهای عمومی هم همکاری کنند، انحصارها شکسته شود و تنظیم‌گری خوبی شکل بگیرد».

تلاش برای انحصارزدایی از دولت

ارتباط برخی شرکت‌های بخش خصوصی با دستگاه‌های اجرائی دولتی و استفاده از رانت‌های ویژه برای دراختیارگرفتن برخی بازارها و پروژه‌ها هم از جمله مباحثی است که شورای رقابت را درگیر کرده؛ این شورا هم در ماه‌های اخیر به موضوع وارد شده و تلاش می‌کند از انحصارگرایی در بدنه دولت جلوگیری کند. آن‌گونه که ولی رستمی می‌گوید، شورای رقابت در تمامی بخش‌های اقتصادی که احتمال انحصارگرایی وجود داشته باشد، وارد شده و برنامه‌های ویژه‌ای را دنبال می‌کند: «شورای رقابت در بخش‌های مختلف دولتی مانند صنایع پتروشیمی، برق، نفت، نیرو، حمل‌ونقل‌های دریایی و هوایی و مباحث مختلفی که احتمال انحصارگرایی وجود داشته باشد وارد شده تا انحصار را از بین ببرد و بازار را رقابتی کند». این حقوق‌دان در حالی از عملکرد مطلوب برخی دستگاه‌های اجرائی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار برای جلوگیری از انحصارگرایی خبر می‌دهد که در مقابل، برخی وزارتخانه‌ها با ورود شورای رقابت به موضوع مشکل دارند: «پس از ایجاد شورای رقابت، تمام دستگاه‌ها و نهادهای دولتی باید با شورا همکاری می‌کردند؛ اما در برخی از وزارتخانه‌ها این تلقی وجود دارد که همان نهاد دولتی باید خودش دنبال تنظیم بازار برود و با انحصارگرایی مقابله کند؛ موضوع تا جایی پیش رفت که تلاش کردیم نهادهای بخشیِ تنظیم‌گر بازار را در وزارتخانه‌های نیرو و نفت ایجاد کنیم تا از انحصارگری جلوگیری شود؛ حتی مصوبه آن هم تهیه شد و به هیئت وزیران رفت؛ اما این وزارتخانه‌ها با موضوع مخالفت کردند و در نهایت به تصویب نرسید».

مشکل شورای رقابت، ماهیتی است

در مقابل همه مقاومت‌هایی که درباره فعالیت شورای رقابت شکل می‌گیرد، برخی نیز اعتقاد دارند شورا هنوز آن‌گونه که باید، «باور» نشده و کسی به آن اعتقادی ندارد. این موضوع را آلبرت بغزیان، اقتصاددان و نایب‌دبیر هیئت تجدید نظر شورای رقابت، مطرح می‌کند. او به «شرق» می‌گوید: «از نظر ما، مشکل شورای رقابت بیش از آنکه مربوط به ساختار نظام اقتصادی باشد، مربوط به ماهیت و جایگاه شوراست؛ چراکه باید شورای رقابت را باور کنند و حمایت‌های لازم را از این شورا انجام دهند؛ اما منافعی که در این میان وجود دارد، اجازه نمی‌دهد این شورا جایگاه خود را تثبیت کند و بودجه متناسب با وظیفه‌اش را در اختیار داشته باشد تا با دست باز به پرونده‌ها رسیدگی کند». او ادامه می‌دهد: «شورای رقابت باید به مرحله‌ای از کنشگری برسد که به‌جای اینکه منتظر باشد افراد شکایت کنند، خودش وضعیت بازارها را بررسی کند و با پایش آنچه در بازار می‌گذرد، شرایطی فراهم آورد تا هم حقوق تولیدکنندگان در مقابل اجحاف تولیدکنندگان دیگر حفظ شود و هم حقوق مصرف‌کننده در مقابل تولیدکننده ضایع نشود». این اقتصاددان هم مانند برخی دیگر از کارشناسان اعتقاد دارد که تشکیل شورای رقابت، نوعی رفع تکلیف برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده در قانون توسعه کشور بوده است: «با شرایط فعلی، به نظر می‌رسد تشکیل شورای رقابت، فقط به منظور رفع تکلیف بر مبنای قانون چهارم توسعه کشور صورت گرفته؛ چراکه اقتصاد ما این شورا را پس می‌زند و علاقه‌ای ندارد این شوراها بر سر زبان‌ها بیفتند و مردم احساس کنند جایی برای پس‌گرفتن حقوقشان وجود دارد». بغزیان در جمع‌بندی صحبت‌هایش تأکید می‌کند: «شورای رقابت دنبال آن است تا رفاه را بالا ببرد و رفاه هم با کاهش قیمت اتفاق می‌افتد. کاهش قیمت، افزایش فروش و در نهایت افزایش تولید را به دنبال دارد؛ بنابراین، این‌گونه بازار به سمت رقابتی‌شدن پیش می‌رود و از انحصارگرایی جلوگیری می‌شود؛ ولی موضوع اصلی اینجاست که در نظام اقتصادی ما، منافع ضدرقابتی بسیاری وجود دارد که سبب می‌شود این شورا به جایگاه واقعی خود دست پیدا نکند و در نهایت، مردم و تولیدکنندگان با شرایط سختی دست‌وپنجه نرم کنند».

ادامه از صفحه ۳

صادرات گاز ایران به عراق

به گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از شانا، در ابتدا سرمایه‌گذاری یک میلیاردی از سوی این شرکت انجام خواهد گرفت و در صورت موفقیت تا سطح پنج میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. البته برخی دیگر از شرکت‌های نفتی از جمله شل و بی‌پی نیز برای حضور در این طرح ابراز تمایل کرده‌اند. براساس این گزارش، امضای قرارداد طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با این شرکت، نخستین سرمایه‌گذاری یک شرکت بزرگ غربی در بخش انرژی ایران از زمان لغو تحریم‌ها خواهد بود.

همکاری مشترک برای حضور در بخش نفت و گاز ایران

شرکت آلمانی وینترشال قرار است با شرکت گازپروم روسیه در اجرای پروژه‌های نفت و گاز در ایران همکاری کند. به گزارش فارس، به گفته مسئول بخش خارجی این شرکت در اکتشافات و تولید نفت و گاز، شرکت آلمانی وینترشال قرار است با همکاری شرکت گازپروم روسیه در اجرای پروژه‌های نفت و گاز و توسعه‌ای در ایران حضور پیدا کند. گفتنی است این شرکت آلمانی در زمینه تولید نفت، گاز و اکتشافات فعالیت می‌کند و بزرگ‌ترین شرکت آلمان در این حوزه محسوب می‌شود.

گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت شاخص اسپات هنری هاب (Spot Henry Hub) به‌عنوان شاخص برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا، در هفته منتهی به بیست‌وسوم ژوئن به دودلارو ۸۷ سنت رسید که نسبت به هفته گذشته، ۲۵ سنت کاهش نشان می‌دهد.

صادرات گاز ایران به عراق

صادرات گاز طبیعی ایران به بغداد و بصره براساس قرارداد منعقدشده در آبان سال ۱۳۹۴، از شامگاه روز چهارشنبه ۳۱ خرداد آغاز شد. به گزارش خبرگزاری شانا، حجم صادرات در ابتدا حدود هفت میلیون مترمکعب در روز است؛ اما قرار است در ماه‌های آینده به ۳۵ میلیون مترمکعب برسد. براساس این گزارش، طرح موضوع و مذاکرات قراردادی از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ آغاز شد و قرارداد صادرات گاز به بغداد در تیرماه سال ۱۳۹۲ در بغداد امضا شد. قرارداد صادرات گاز به بصره نیز در آبان سال ۹۴ به امضای طرفین رسید.

روایتی از دیدار با جهانگیری

مرتضی افقه . دبیر سابق شورای عالی رفاه

عصر چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۶ همراه تعدادی از اقتصاددانان دانشگاه‌های کشور دیداری داشتیم با آقای جهانگیری؛ معاون‌اول رئیس‌جمهور، برای تبریک موفقیت در انتخابات و نیز نقد و تحلیل چهار سال گذشته و توصیه‌ها و هشدارهایی اقتصادی برای چهار سال آینده دولت دوازدهم. همه دوستان حاضر در جلسه به اجمال نکاتی را بیان کردند و آقای جهانگیری هم با حوصله تمام یک‌ساعت‌ونیم به سخنان ما توجه کرد که جای تشکر و قدردانی دارد.

من هم در این دیدار نکاتی طرح کردم که خلاصه آن را در زیر بیان می‌کنم:

۱- ریشه مشکلات اقتصادی (تفکر ضد توسعه‌ای مبتنی بر بازار آزاد)

ابتدا توضیح دادم که ریشه اغلب مشکلات اقتصادی کشور غیراقتصادی است؛ اما چون نمودی اقتصادی دارند تصور می‌شود از سوی اقتصاددانان باید حل شوند، درحالی‌که این مشکلات توسط مجموعه‌ای از متفکران علوم انسانی به‌ویژه علوم اجتماعی حل‌شدنی هستند. نقبی هم به تفکر بازارگرایانه اقتصاددانان دولت یازدهم زدم؛ اینکه با تفکر اقتصادی لیبرال‌گرایانه یا مبتنی بر بازار آزاد، مشکلات ساختاری اقتصادی کشور حل نخواهد شد.

تأکید کردم مشکلات اقتصادی عمدتا ریشه در تفکر و ساختار ضدتوسعه‌ای یا غیرتوسعه‌ای حاکم بر کشور دارد؛ بنابراین حل آنها از عهده دولت (به معنی قوه مجریه) خارج است و کل نظام باید برای حل ریشه‌ای مشکلات عزم و عمل جدی داشته باشد در غیراین‌صورت هیچ‌یک از مشکلات اقتصادی فعلی به‌صورت قطعی و درازمدت حل نخواهد شد. همچنین با توجه به ریشه غیراقتصادی مشکلات اقتصادی، اگرچه دولت سهم محدودی در حل مشکلات اقتصادی اجتماعی جامعه دارد؛ اما در همین محدوده هم اگر بخواهد موفق شود باید نسبت به انتخاب مدیرانی توسعه‌یافته و توسعه‌خواه حساسیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد. درواقع، دولت برای اینکه موفق شود کافی نیست از وزرایی قوی برخوردار باشد، بلکه همه مدیران اجرائی شامل استانداران، فرمانداران، بخشداران و تمام مدیران زیرمجموعه دولت در موفقیت و عدم موفقیت دولت نقش دارند.

۲- اهمیت انتخاب مسئولان رده‌های میانی و پایین

نکته مهم دیگری که تأکید کردم این بود که چرا فکر می‌کنند شهرهای متوسط و کوچک نباید مدیرانی باتجربه و متخصص داشته باشند. اشاره کردم که بسیاری از شهرها و مناطق متوسط و کوچک کشور ویژگی‌ها و تنوع فرهنگی و اجتماعی خاص اما پیچیده‌ای دارند که مدیریت بر آنها به افرادی نیاز دارد که در حوزه‌های علوم اجتماعی و اقتصادی شناخت کافی داشته باشد و دارای دیدگاه‌های توسعه‌ای باشند نه افراد کم‌تجربه و فاقد تخصص و آشنایی با پیچیدگی‌های علوم اجتماعی. شهر مسجدسلیمان را مثال زدم و گفتم این شهر پیچیدگی‌های فرهنگی- اجتماعی خاص خود را دارد؛ بنابراین مدیریت بر آن به افرادی مجرب و متخصص نیاز دارد تا بتواند مشکلات این شهر که روزی یکی از مدرن‌ترین شهرهای کشور بوده و امروز به یکی از محروم‌ترین شهرهای کشور تبدیل شده است، رفع کند.

۳- نقش حیاتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در فرایند توسعه کشور

در انتها با اشاره به آمارهای غیررسمی مبنی بر وجود حدود ۳۰ میلیون فقیر مطلق در کشور، تأکید کردم هیچ برنامه توسعه‌ای به سرانجام نخواهد رسید مگر آنکه ابتدا فقر مطلق (نه فقر نسبی) در کشور محو شود یا به حداقل ممکن کاهش یابد، زیرا توسعه فرایندی نرم‌افزاری و تربیتی است که منجر به تحول اساسی در نظام فکری افراد و جوامع می‌شود؛ اما با وجود فقر مطلق گسترده و دغدغه‌های ناشی از رفع نیازهای اساسی زندگی، هیچ فردی توانایی یا آمادگی مشارکت در برنامه‌های توسعه را نخواهد داشت و در مقابل امکان عدم مشارکت یا مقابله با برنامه‌های توسعه از سوی این گروه افراد نیز وجود دارد.

در این راستا به جایگاه بسیار مهم بلکه حیاتی «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» در فرایند توسعه و رفع یا کاهش خلأهای توسعه‌نیافتگی کشور تأکید جدی کردم. با توجه با این نکته، توضیح دادم وزیر رفاه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت یازدهم (با پرهیز از به‌کارگیری روش‌های ناکارای بازارگرایانه) و با بهره‌گیری از کادری متخصص و پرانگیزه در چهار سال گذشته اقدامات زیربنایی و پایه‌ای برجسته‌ای در شناسایی دهک‌ها و طبقات فقیر و کم‌درآمد جامعه داشته و همچنین برخی سیاست‌های رفاهی مناسب را اجرا کرده که تداوم آن ضروری است؛ بنابراین بجاست مجموعه این وزارتخانه حمایت و تقویت شود تا لطمه‌ای به برنامه‌های زیربنایی که بعد از چهار سال در آستانه اجرا و عمل قرار گرفته، وارد نشود.